



سید جواد حسینی

الف. قرآن و اهمیت نیکی و خدمت

به مردم

۱. درخواست نفع رسانی

در قرآن از زبان حضرت

عیسی علیه السلام می خوانیم: (وَجَعَلَنِي

مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ)؛ «و مرا هر جا

که هستم، پر برکت قرار ده.» حضرت

صادق علیه السلام فرمود: «مقصود از (جَعَلَنِي

مُبَارَكًا)، (جَعَلَنِي مُبَارَكًا نَفَاعًا) است؛

یعنی خدایا! مرا بسیار سودمند و نفع

رساننده (به مردم) قرار بده.»^۲

۱. مریم/۳۱.

۲. اصول کافی، کلینی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲،

ص ۱۶۵، ح ۱۱۱ تفسیر الصافی، فیض کاشانی،

از نقاط قوت اخلاق اسلامی،

توجه به انسانها، حس همکاری،

نیکوکاری و خدمت رسانی به مردم؛

به ویژه خدمت به مؤمنان و صالحان

است. نگاهی اجمالی به آیات،

روایات و سیره انبیا و اولیا به خوبی

این امر را ثابت می کند که بعد از

انجام واجبات، هیچ امری، مانند نیکی

و خدمت به بندگان خداوند باعث

تقرب انسان به درگاه الهی نمی شود.

بدین سبب است که انبیا و اولیای

الهی، همواره در خدمت مردم بوده اند.

آنچه پیش رو دارید، نگاهی اجمالی

به آیات و روایات و سیره اولیا درباره

نیکی و خدمت به آدمیان است.

۲. محسنین در قرآن

خداوند متعال، چهار نوبت با صراحت، چنین اعلام می‌دارد ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۱ «خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

پروردگار متعال در چهار آیه تأکید می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾^۲ «خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.»

قرآن در بیش از نه مورد درباره پاداشهای محسنین می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾^۳ به راستی این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.»

و درباره پاداش اخروی محسنان تعییرات بلندی آمده است که عبارت‌اند از:

۱. جاودانگی در بهشت: ﴿خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾؛^۴ همیشه در آن خواهند بود و این است جزای نیکوکاران.»

۲. گواراترین زندگی: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾.^۵ «بخورید و بیاشامید در حالی که برای شما گوارا باشد به خاطر کارهایی که انجام دادید. ما این چنین پاداش نیکوکاران را می‌دهیم.»

۳. پاداش دنیا و آخرت: ﴿فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛^۶ خداوند ثواب و بهترین پاداش آخرت را به آنها (محسنان) داد؛ (زیرا) خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

۴. هر چه بخواهند: ﴿لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ﴾؛^۷ برای

بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۳، ص ۲۸۰؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث، ج ۷۱، ص ۳۴۱، ح ۱۲۶.

۱. بقره/۱۹۵؛ آل عمران/۱۳۴ و ۱۳۸ و مائده/۱۳.

۲. توبه/۱۲۰؛ یوسف/۵۶ و ۹۰ و هود/۱۱۵.

۳. انعام/۸۴؛ یوسف/۲۲؛ قصص/۱۴ و

صافات/۱۲۱، ۱۱۰، ۱۰۵، ۸۰، ۳۱.

۴. مائده/۸۵.

۵. مرسلات/۴۴.

۶. آل عمران/۱۴۸.

۷. زمر/۳۴.

آنان هر چه بخواهند نزد پروردگارشان وجود دارد؛ این است پاداش نیکوکاران.»

گاهی می‌فرماید: «سَتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ»^۱ به زودی برای محسنان می‌افزاییم. سپس در دو آیه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۲ به راستی حتماً خدا با نیکوکاران است. این یک موقعیت خاص است که عنایات خاصه الهی را همراه دارد؛ نه موفقیت عام که «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا تَكُونُوا» به راستی که با این همه پاداش و موقعیت باید به محسنان بشارت داد: «وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ»^۳ به نیکوکاران بشارت بده.»

به راستی که اگر احسان و خدمت به خلق، فقط همین تأکیدات و پاداشها را داشت، بس بود که مردم، شب و روز به دنبال احسان و خدمت به خلق باشند؛ حال آنکه در روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام و سیره آنان

بیش از آنچه در آیات بیان شده، تأکید وجود دارد و به این موضوع اهمیت داده شده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. محبوب‌ترین فرد

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ عَلَيَّ اللَّهُ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ أَهْلِي بَيْتِ مُؤْمِنٍ سُورُوا»^۴ مردم عائله و جیره خواران خداوندند. محبوب‌ترین مخلوقات نزد خدا کسی است که سودش به عائله خدا برسد و خانواده‌ای را خوشحال کند.»

۲. برتر از روزه و اعتکاف

امام صادق علیه‌السلام از پدرش و او از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «وَاللَّهِ لَقَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَاعْتِكَافِهِ»^۵ به خدا قسم، برآوردن حاجت مؤمن بهتر از یک ماه روزه و یک ماه اعتکاف است.»

۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۹، ح ۱۲۱ و اصول

کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۷.

۵. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵، ح ۶.

۱. اعراف/۱۶۱.

۲. عنکبوت/۶۹ و نحل/۱۲۸.

۳. حج/۳۷.

باشد که باید در جهنم عذاب شود: «فَلَا تَخْتَقِرُوا الْإِحْسَانَ إِلَىٰ إِخْوَانِكُمْ فَسَوْفَ يُنْفَعُكُمُ اللَّهُ تَعَالَىٰ حَيْثُ لَا يَقُومُ مَقَامَ ذَلِكَ شَيْءٌ غَيْرُهُ»^۲ [هیچ گاه احسان به برادران [مؤمن] خود را کوچک نشمارید. پس در آینده خداوند به شما سودی می‌رساند؛ به گونه‌ای که هیچ چیز جای آن را پر نمی‌کند.]

برخی از مردم می‌پندارند که عبادت، فقط نماز خواندن و روزه گرفتن است. جمعی از اینان به حدی در غفلت و نادانی فرو رفته‌اند که اگر جان کسی را در خطر ببینند حاضر نیستند برای نجات او از عمل مستحبی خویش دست بردارند.

بارها دیده شده است که در مسافرت‌های عبادی، همچون سفر حج و یا عبات عالیات، افرادی تمام اوقات را به زیارت و دعا مشغول می‌شوند و به همسفران کمکی نمی‌کنند؛ با این که گاه، سالخورده‌گان

۲. بحارالانوار، همان و ج ۷۱، ص ۷۰۸، ح ۶۰ و

تفسیر امام حسن عسکری، ص ۷۹.

۳. نعمت الهی

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ»^۱ از نعمتهای خدا این است که مردم، حوائج خود را نزد شما می‌آورند؛ پس از نعمتهای خدا [که حاجت مردم است] خسته و ملول نشوید.]

۴. کوچک نشمردن احسان

علی بن الحسین علیه السلام فرموده است: «ای شیعیان ما! بهشت را از دست نمی‌دهید، به سرعت و یا کندی در آن وارد می‌شوید؛ ولی در رسیدن به درجات بالای آن، با هم مسابقه دهید. بدانید بالاترین درجه و بهترین قصرها و خانه‌ها از آن کسی است که بهتر برادر مؤمنش را اجابت کند و بیش‌تر با فقرای مؤمنان همدری کند؛ به راستی خداوند عزیز و جلیل با یک کلمه که با برادر مؤمن (و در جهت خوشحالی او) صحبت می‌کند، به اندازه هزار سال خود را به بهشت نزدیک می‌کند؛ هر چند از کسانی

۱. همان، ص ۳۱۸، ح ۸۰.

و بیمارانی وجود دارند که بسیار به کمک نیاز دارند؛ ولی آنها کمک نمی‌کنند. این گونه افراد نمی‌دانند که کم‌ترین کمک به بندگان، بهشت را برای انسان واجب می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَغْضًا مِنْ شَوْكِ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ؛^۱ بنده‌ای از بندگان خدا در اثر اینکه شاخه خاری را از سر راه مسلمانان برداشت، اهل بهشت شد.»

این افراد باید بدانند که بالاترین افتخار برای یک انسان، این است که دیگران او را ملجأ و مأوی برای رفع حاجات خویش بدانند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ اعْتِمَادًا عَلَى أَخِيهِ أَنْ يُنْزَلَ بِهِ حَاجَتَهُ؛^۲ در اثبات اعتماد به برادر دینی همین بس که شخصی حاجتش را نزد او آورد.»

البته ما این شعر را هم تأیید نمی‌کنیم که می‌گوید:

عبادت به جز خدمت خلق نیست

به تسبیح و سجاده و دلق نیست

عبادت، فقط در خدمت خلق

منحصر نیست؛ چنان که برخی به بهانه «دلت پاک باشد» و به «خلق خدا خدمت کن»، نماز و روزه و عبادت را ترک می‌کنند.

باید گفت که عبادت، فقط

خدمت خلق نیست و نماز، روزه و...

هم عبادت‌اند. پس نباید راه افراط یا تفریط را پیمود. از اینرو نباید به بهانه عبادات اصطلاحی، از خدمت به خلق شانه خالی کرد و نه به بهانه خدمت به مردم و اعانت آنان، از نماز و عبادات واجب و مستحب غافل شد؛ بلکه باید هر دو را در حد و اندازه خود نگه داشت که «هر چیزی به جای خویش نیکوست».

سیره ائمه علیهم السلام در خدمت به مردم

بیان تفصیلی سیره ائمه در

خدمت به مردم و فقرا و دستگیری و

اعانت آنها، بسیار گسترده است که

فقط به ذکر برخی رفتارهای آنان اکتفا

می‌شود.

۱. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۰۷، سفینه البحار.

شیخ عباس قمی، اسوه، ج ۲، ص ۸۲

۲. اصول کافی، همان، ج ۲، ص ۱۹۸ و ۱۳۱.

حضرت علی علیه السلام با دست خود، نخلهای گروهی از یهودیان مدینه را آبیاری می کرد؛ به گونه ای که دست مبارکش تاول می زد، آن گاه که به مزدی دست می یافت، آن را به بیچارگان و درماندگان می بخشید و یا با آن، بردگانی را می خرید و آزاد می کرد.

آن حضرت، قناتها و چاههای فراوانی را حفر و به محض رسیدن به آب، آنها را برای مردم وقف می کرد. ایشان به فقرا و یتیمان، چه در مدینه و چه در کوفه سر می زد و به آنها خدمت می کرد.

معاویه اعتراف کرد: «اگر علی، خانه ای پر از طلای ناب و خانه ای پر از علوفه داشته باشد، طلا را قبل از علوفه می بخشد.»^۱

امام مجتبی علیه السلام هیچ گاه در پاسخ مستمندی، نه نگفت. به او گفته شد:

«چرا هیچ گاه فقیری را مایوس

نمی کنی؟» فرمود: «من خود، دست نیاز بر درگاه خدا دارم و به الطافش امیدوارم. به همین دلیل، شرم دارم از اینکه خود فقیر باشم و فقیری را مایوس برگردانم. و خدای بزرگ مرا عادت داده است که نعمتهای فراوانش را بر من ارزانی دارد و من نیز او را عادت داده ام که نعمتهایش را به مردم ببخشم. می ترسم اگر از عادت دست بردارم، خداوند نیز عادتش را از من باز دارد و مرا از نعمتهایش محروم کند.»^۲

از سیره آن حضرت این بود که هر گاه باغ و بستانی از کسی خریداری می کرد و سپس فروشنده اش به فقر و تنگدستی دچار می شد، حضرت آن را با پولش به وی برمی گرداند.^۳

۲. حیاة الامام الحسن، ج ۱، ص ۳۱۶ و ۳۱۷؛

انساب الاشراف، ج ۱، ص ۳۱۹ و طبقات کبری،

ج ۱، ص ۴۳؛ به نقل از: سیره و تاریخ امامان،

ص ۱۰۱.

۳. سیره و تاریخ امامان، ص ۱۰۲.

۱. سیره و تاریخ امامان، جمعی از مؤلفان، مؤسسه

انتشارات زواره، ۱۳۸۶، ص ۷۸ و تاریخ دمشق،

ابن عساکر، ج ۴۳، ص ۴۱۴.

نخلستانهای در حال چیدن می‌رفتند و چیدن محصول در شب، باعث محروم شدن آنان می‌شد.

همچنین حضرت صدقه می‌داد و دیگران را به صدقه تشویق می‌کرد و دو نوبت مالش را با فقرا تقسیم کرد.^۱

حضرت سجاد علیه السلام پسر عموی داشت که بعضی از شبها به خانه‌اش می‌رفت و مقداری پول به او می‌داد.

آن شخص، حضرت را (چون با صورت پوشیده بود) نمی‌شناخت و می‌گفت: «علی بن حسین، اصلاً به

حال ما توجهی ندارد و در حق او نفرین می‌کرد.» امام، این کلمات را می‌شنید؛ ولی از وی در گذشته، خود

را به او معرفی نمی‌کرد. وقتی امام سجاد علیه السلام از دنیا رفت و آن کمکه‌های

شبانه قطع شد، آن شخص متوجه شد که علی بن حسین بوده است؛ از اینرو همیشه به حالت گریه و برای

امام حسین علیه السلام در تاریکی و ظلمت شب، انبانی پر از غذا همراه پول به خانه‌های زنان بی سرپرست و یتیمان می‌برد؛ به گونه‌ای که معاویه نیز به آن اعتراف کرد که حسین بن علی علیه السلام بخشش خود را نخست از یتیمانی آغاز می‌کند که پدرانشان را در جنگ صفین در سپاه پدرش علی از دست داده‌اند و اگر چیزی اضافه آمد، با آن شتر نحر می‌کند و مردم را طعام می‌دهد.^۱

حضرت سجاد علیه السلام هر روز درب خانه‌اش به روی عموم باز بود و نهار عمومی می‌داد.^۲ او بیش از صد خانه را متکفل بود و زندگی آنها را اداره می‌کرد.^۳

به سبب همین احسان و نیکی بود که آن حضرت، هیچگاه از چیدن محصول نخلستان در شب خوشش نمی‌آمد؛ چون فقرا روزها به

۴. علل الشرایع، صدوق، بیروت، دارالمعرفة، ص ۶۱، باب ۴۲، ح ۱؛ وسائل الشیعه، حرّ عاملی، ج ۶، ص ۲۹۶ و مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۶۷.

۱. حیاة الامام الحسین، ج ۱، ص ۱۲۸، به نقل از: همان، ص ۱۰۲.

۲. تاریخ یعقوبی، بیروت، ج ۲، ص ۲۵۹.

۳. کشف الغمة، ارلی، آل‌البیت، ج ۲، ص ۲۸۹.

عذرخواهی، کنار قبر حضرت می‌رفت.^۱

همچنین حضرت باقر علیه السلام به نیازمندان احترام می‌گذاشت و به آنها کمک و صدقه می‌داد و نیکی به یاران و اصحاب را فراموش نمی‌کرد. حسن بن کثیر می‌گوید که نزد امام باقر علیه السلام از جفای دوستان و برآورده نکردن حاجات شکایت کردم.

حضرت فرمود: «بئسَ الْاَخُ اَخٌ يَرْعَاكَ غَنِيًّا وَ يَقْطَعُكَ فَقِيْرًا؛ بد برادری است؛ برادری که در حال پولداری مراعاتت کند و در حال فقر و نداری (تو) با تو قطع رابطه کند.» سپس به غلامش دستور داد کیسه‌ای به مبلغ هفتصد درهم به او بدهد، و فرمود: «فَبَادَا نَفِيْدَتٌ فَاَعْلِنِي؛ هر گاه تمام کردی به من خبر بده.»^۲

از جمعی نقل شده است که امام باقر علیه السلام را ملاقات نمی‌کردیم؛ مگر

اینکه نفقه، هدیه و لباس برای ما می‌آورد و می‌فرمود: «هَذِهِ مَعْدَةٌ لَكُمْ قَبْلَ اَنْ تَلْقَوْنِي؛^۳ اینها قبل از ملاقات شما برای شما آماده شده بود.» معاویه بن هشام می‌گوید: «هیچ‌گاه حضرت باقر از کمک و صله دادن به برادران و کسانی که نزد او می‌آمدند و امید و آرزویی داشتند، خسته نشد.»^۴

۱. هشام بن سالم می‌گوید که امام صادق علیه السلام وقتی پاسی از شب می‌گذشت، کیسه‌هایی را برمی‌داشت که در آن نان و گوشت و درهما بود. سپس آن را بر دوشش حمل می‌کرد و نزد نیازمندان مدینه می‌برد و آن را بین ایشان تقسیم می‌کرد؛ در حالی که آنان، آن حضرت را نمی‌شناختند؛ (گویا تاریکی شب و یا بسته بودن صورت حضرت، مانع می‌شد.) هنگامی که امام صادق علیه السلام از دنیا رفت، آن گاه متوجه شدند که کمک

۱. كشف القمّة، همان، ج ۲، ص ۲۱۹ و سیره و تاریخ امامان، ص ۱۵۲.

۲. ارشاد، شیخ مفید، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲۶۶.

۳. همان، ص ۲۶۶.

۴. همان، ص ۲۶۶.

کننده، حضرت صادق علیه السلام بوده است.^۱

۲. معلی بن خنیس می‌گوید که امام صادق علیه السلام در تاریکی شب روانه‌ی ظله بنی ساعده (محل سکونت فقرا) شد. من او را دنبال کردم که ناگهان، چیزی از دستش افتاد. سپس گفت: «بسم الله. اللَّهُمَّ رُدِّ عَلَيْنَا؛ به نام خدا. خدایا به ما برگردان.»

من نزدیک آن حضرت رفتم سلام کردم. سپس حضرت فرمود «معلی هستی؟» عرض کردم: «آری، فدایت شوم» فرمود: «با دستت بگرد [چون شب تاریک بود] هر چه یافتی به من بده.» من نیز نانهایی پخش شده را یافتم و هر چه پیدا کردم به آن حضرت دادم. در نتیجه، یک کیسه نان شد. حمل کردم: «اجازه می‌دهی، من آن را حمل کنم؟» فرمود: «لَا آتَا أَوْلَىٰ بِهٖ مِنْكَ؛ نه بهتر است که من آن را حمل کنم.»

سپس همراه هم رفتیم تا به ظله بنی ساعده رسیدیم و به گروهی که در خواب بودند برخوردیم. حضرت شروع کرد برای هر یک از آنان، یک یا دو قرص نان گذاشت و تا آخرین نفر آنان، این عمل را انجام داد. آن گاه برگشتیم. سپس عرض کردم: فدایت شوم. این جمعیت، حق را می‌شناختند (شیعه هستند)؟ فرمود: «اگر حق را می‌شناختند (شیعه بودند) که بیشتر با آنها همدردی مالی می‌کردیم.»^۲

حضرت موسی بن جعفر و دیگر امامان علیهم السلام هم همین‌گونه بودند و از مهم‌ترین فعالیت زندگی‌شان خدمت به خلق و خدمت‌رسانی به مردم بوده است.

خدمت به خلق در کلام امام خمینی علیه السلام

امام راحل علیه السلام سخنان عمیق و زیبایی درباره خدمت به خلق دارد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

۱. اصول کافی، همان، ج ۴، ص ۸، ح ۱ و منتخب میزان الحکمة، محمدی ری شهری، قم، دار الحدیث، ص ۴۸، ح ۵۲۱.

۲. ثواب الاعمال، صدوق، ص ۱۷۳، ح ۲؛ به نقل از منتخب میزان الحکمة، همان، ص ۴۸، ح ۵۲۳.

حضرت علی علیه السلام با دست
خود، نخلهای گروهی از
یهودیان مدینه را آبیاری
می کرد؛ به گونه ای که
دست مبارکش تاول می زد،
آن گاه که به مزدی دست
می یافت، آن را به
بیچارگان و درماندگان
می بخشید و یا با آن،
بردگانی را می خرید و آزاد
می کرد.

۴. خدمتگزار ملت و اسلام باشید
تا بزرگی بکنید بر همه دولتهای
قدرتمند.^۴

ادامه دارد....

۱. این مقامات تمام می شود؛ آنی
که هست خدمت است. آدم متعهد
در هر جا باشد اگر دید خدمتش
خوب است، آنجا بیش تر دلگرم
است.^۱

۲. شما باید خدمت کنید به این
مردم. ما همه باید خدمتگزار اینها
باشیم و شرافت همه ما به این است
که خدمت به خلق خدا بکنیم.^۲

۳. ما از مردم تشکر باید بکنیم؛ ما
همه مرهون آنها هستیم؛ عمده این
است که ما هم بتوانیم خدمت متقابل
بکنیم و باید ما از مرحله لفظ و رفتار
بیرون برویم و به مرحله عمل برسیم؛
یعنی هر وزیری در وزارتخانه خودش
واقعاً بین خودش و خدا، خودش را
موظف بداند به اینکه آن پرسنل آنجا
را، هر کس در تحت نظر او هست،
آنها را بسیج کند به اینکه با مردم
رفتار خوب بکنند.^۳

۱. صحیفه نور، نشر مرکز مدارک فرهنگی انقلاب
اسلامی، وزارت ارشاد، ج ۱۹، ص ۲۱۷.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۸۲.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۹.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۱۶۴.